

چو او زیر پای هیون در سپرد

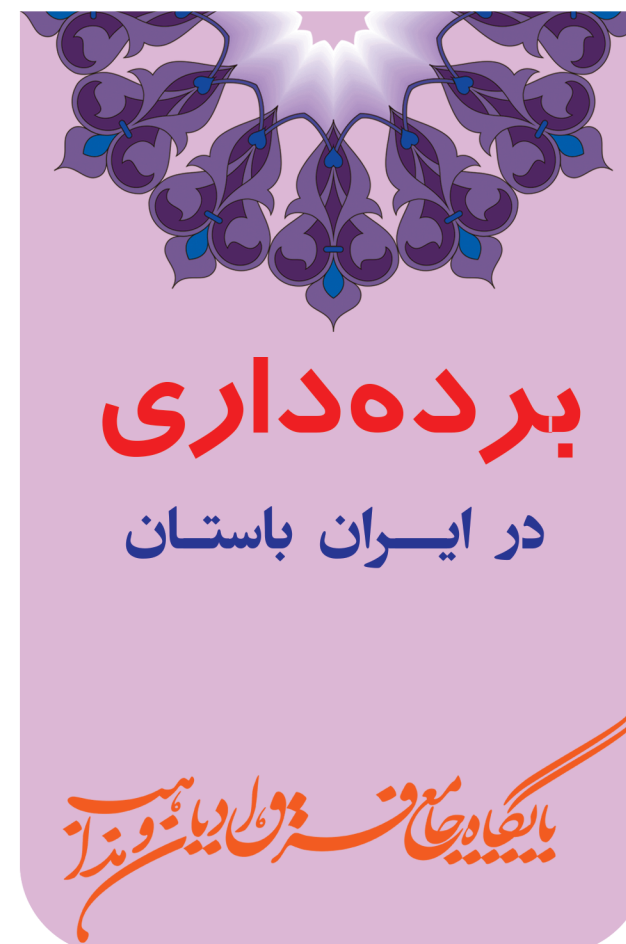
به نخچیر زان پس کنیزک نبرد

(ه) اندر بزرگی خسرو پرویز:

به مشکوی زرین ده و دو هزار

کنیزک بکردار خرّم بهار

از این اشعار معلوم می‌شود که برده‌داری کاملاً رایج بوده، نه اینکه با آن مقابله می‌شده، بر خلاف احکام زیادی در اسلام، مانند اینکه اسلام یکی از کفاره‌های افطار عمدی روزه را آزاد کردن یک بنده قرار داده است و سیره پیشوایان ما در آزادسازی بردگان که در تاریخ معصومین علیهم‌السلام فراوان حکایت شده است.



## برده‌داری در ایران باستان

تاریخ ایران باستان نقاط تاریک و روشن فراوانی دارد و گاهی برخی از افراد از این فضای غبار آلود سوء استفاده کرده، ایران آن زمان را از هرگونه عیب و نقصی مبرا نشان می‌دهند. اینان نه به خاطر استفاده از خصلتها و عملکردهای مثبت گذشتگان؛ بلکه برای حمله به اسلام از این روش بهره می‌برند و از یک سو می‌گویند: ما تمدن ایران باستان را داشته‌ایم و از سوی دیگر می‌گویند: اسلام برده‌داری را پذیرفته است تا از قرار دادن این دو گزینه کنار یکدیگر به مخاطبان خود چنین وانمود کنند که در ایران باستان برده‌داری نبوده و پادشاهان ما آن را نفی و طرد کرده‌اند.

فارغ از احکامی که اسلام برای براندازی برده‌داری توصیه و اجرا کرده است، در این نوشتار برآنیم تا روشن کنیم آیا در ایران باستان

برده‌داری وجود داشته است یا نه؟ و آیا پادشاهان ایران برای نابودی و نفی آن تلاشی کرده‌اند؟

متأسفانه گروهی متعصب سعی بر نادیده گرفتن برده‌داری در ایران باستان دارند و علاوه بر نفی و انکار، با وقاحت تمام افرادی را که برخلاف میل آنها اظهار نظر کنند، متهم به دشمنی با ایران می‌کنند! گویا تنها آنان برای دفاع از کیان ایران آفریده شده‌اند، حال آنکه در میدان عمل، رفتاری دیگر دارند که بر کسی پوشیده نیست. در ذیل نمونه‌هایی از اسناد تاریخی را نشان خواهیم داد تا حقیقت امر مکشوف گردد.

۱. اگر به بررسی متن بابلی منشور کورش و ترجمه‌های آن پردازیم، متوجه خواهیم شد که در هیچ کجای این منشور کلمه‌ای درباره لغو برده‌داری وجود ندارد و تنها به آزادی بابلیان از سیطره دشمنان مردوک (بت) خدای بابل به وسیله کورش اشاره شده است.<sup>(۱)</sup> بر فرض محال، اگر بگوییم که لغو برده‌داری هم آمده بوده، این فرض با کتیبه‌های دیگر عصر

1 . Berger, P. R., Der Kyros-Zylinder mit dem Zusatzfragment BIN II Nr. 32 und die Akkadischen Personennamen im Danielbuch, Zeitschrift für Assyriologie 64. 1975.

هخامنشی همخوانی ندارد.

برای مثال، به موجب لوح شماره ۲۵۲ از سال هشتم پادشاهی کورش در بابل، دختری به نام «تابموتو» به دلیل اینکه پدرش یک سکه طلا و ده سکه نقره به مؤسسه مالی یا رباخانه «اگیبی» بدهی داشت، به گرو گرفته شد تا زمانی که پدرش بدهی خود را تسویه کند.<sup>(۲)</sup> لازم به ذکر است دخترانی که به گرو گرفته می‌شدند، برای بهره‌کشی جنسی اجاره داده می‌شدند تا خسارت تأخیر را جبران کنند، پس ادعای لغو برده‌داری توسط کورش و انکار برده‌داری در ایران باستان گزافه‌ای بیش نیست. هرچند گروهی آن را به آیین زرتشت نسبت می‌دهند، در حالی که اسناد و شواهد نشان می‌دهد که این ثمره تعصب [یا] عدم اطلاع گروهی خاص و با اغراضی خاص است.

۲. همچنین می‌توان به الواح هخامنشی کشف شده در بابل اشاره کرد. به موجب این الواح کمبوجیه (در زمان حکومت پدر خود کورش کبیر) به شراکت با مؤسسه مالی اگیبی روی آورده بود. بسیاری این بخش از همان الواح را نادیده گرفته‌اند که برخی از فعالیت‌های مالی

2. Beitrage zur Assyriologie und Semitischen Sprachwissenschaft, Dritter band, heft 3, Leipzig, 1897..

اگیبی که در گستره وسیعی از جهان آن روز نفوذ داشته، عبارت بوده است از: اعطای وام با بهره سی تا پنجاه درصد در ماه، خرید و فروش برده و اجاره دادن زنان فاحشه.<sup>(۳)</sup>

۲. به موجب لوح‌های تخت جمشید، شهری به نام «اووادئییچیه» در نزدیکی تخت جمشید جای داشته و یکی از بازارهای معتبر برده‌فروشی در عصر هخامنشی در آنجا قرار داشته است. این شهر مقرّ رئیس تشریفات تخت جمشید و مرکز امور دیوانی و اداری آن بوده و در لوح‌ها نام آن با نام تخت جمشید در نسبت با یکدیگر به کار رفته است. دست کم در چهار لوح فروش برده در این شهر ثبت شده است. قیمت متوسط یک برده در این بازار برابر با هشتاد گوسفند یا سه گاو و یا شش الاغ بوده است. در یکی از چهار لوحه، از فروش یک زن برده با دو دخترش که یکی از آنها خردسال بوده، یاد شده است.<sup>(۴)</sup>

۳. در دوران اشکانی، در کنار سه طبقه اصلی

3 Beitrage zur Assyriologie und Semitischen Sprachwissenschaft, Dritter band, heft 3, Leipzig, 1897

ترجمه پنجاه لوح حقوقی و اداری از زمان پادشاهی کورش، دانشنامه آشورولوژی و زبان‌شناسی، لایپزیک، ۱۸۹۷، ج ۳، دفتر سوم.

۴. هزاره‌های گمشده، پرویز رجبی، ج ۳، ص ۲۹۹؛ داریوش و ایرانیان، هینتس، صص ۳۴۷ و ۴۷۲ - ۴۷۴.

در جامعه آن روز، یک طبقه نا آزاد وجود داشت که اسیران جنگی و بردگان را در بر می‌گرفت.<sup>(۵)</sup>

۴. در دوره ساسانیان همانند ادوار گذشته، مناسبات برده‌داری ادامه داشته و بردگان به عنوان یک قشر و یا یک طبقه محسوب نمی‌شدند. اغلب اشراف دارای بردگانی بودند که در کشتزارها و روستاهای آنان به کار مشغول؛ ولی از حقوق اجتماعی محروم بودند. مهر نرسی، وزیر بهرام پنجم و یزدگرد دوم، به لقب هزار بنده مشهور بود.<sup>(۶)</sup>

نکته جالب توجه این است که آتشکده‌های ساسانی نیز دارای برده بودند و برخی از برده‌ها جزء موقوفات این اماکن محسوب می‌شدند. جالب‌تر اینکه گاهی آتشکده‌ها از بردگان خود حمایت می‌کردند و اگر در جنگ‌ها اسیر می‌شدند، آنها را با فدییه و پرداخت غرامت آزاد می‌کردند و دوباره به آتشکده باز می‌گرداندند.<sup>(۷)</sup>

«دیاکونوف» درباره وضع بردگان می‌نویسد: «بردگان را می‌خریدند و می‌فروختند. قیمت متوسط یک برده ۵۰۰ درهم تعیین شده بود

۵. ایران باستان، ماریا برسیوس، ص ۱۵۸.

۶. ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن، ص ۳۰۱.

۷. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان، پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ص ۲۷.

و آنها را به عنوان هدیه به یکدیگر می‌دادند، وقف معابد می‌کردند، گرو می‌گذاشتند و در صورت بعضی جرایم، انسانهای آزاد به بردگی گرفته می‌شدند.<sup>(۸)</sup>

۵. در شاهنامه فردوسی از برده‌داری به عنوان سنتی اجتماعی و عرفی سخن به میان آمده است که در ادامه به گوشه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

الف) داستان فرستادن کیخسرو بندیان را با گنج نزد کاوس:

**دگر بردگان مهتران را سپرد**

**بایوان ببرد از بزرگان و خرد**

ب) داستان بازگشتن رستم به جنگ اسفندیار:

**هزارت کنیزک دهم خلّخی**

**که زیبای تاج‌اند با فرّخی**

ج) داستان سپردن یزدگرد، پسرش بهرام را به منذر و نعمان و پرورش کردن او را:

**کنیزک بفرمای تا پنج و شش**

**بیارند با زیب و خورشید فش**

**بیاورد رومی کنیزک چهل**

**همه از در کام و آرام دل**

د) داستان بهرام با کنیزک چنگ‌زن در شکار:

**به تیر دو پیکان ز سر برگرفت**

**کنیزک بدو ماند اندر شگفت**

۸. تاریخ ایران باستان، دیاکونوف، صص ۴۰۵ - ۴۰۶.